

آزمایشها در رتورگان و نوجوانان

سینما و ناهنجاریهای کودکان و نوجوانان

دکتر رضا مظلومان استاد دانشگاه تهران

قسمت دوم

زد او را بقتل رساند. (*)
در تهران در خیابان مولوی جوانی
هنگام تقلید حرکات کاراته بازان که از
فیلمهای سینمایی یاد گرفته بود پسر عمویش
را با چاقو زخمی کرد. (*)
روزنامه اطلاعات زیر عنوان: « برادر
نه ساله ام وحشی شده است » بدرج نامه خواهری
بنام شهناز خردمند از مسجد سلیمان میپردازد
که نوشته بود: (*)

- ۳ - کیهان - یکشنبه ۵ مردادماه ۱۳۴۸ -
صفحه ۱۴ شماره ۷۸۰۳
- (*) - اطلاعات - دوشنبه ۲۷ بهمن ماه
۱۳۵۲ - صفحه ۱۴ - شماره ۱۴۳۳۲
- (*) کیهان - یکشنبه ۲ اسفند ماه ۱۳۵۲ -
صفحه ۲ - شماره ۹۱۹۸
- (*) - کیهان - چهارشنبه ۱۳ تیر ماه ۱۳۵۲ -
صفحه ۱۸ - شماره ۸۹۹۵

درسالهای اخیر فیلمهای کساراته بیش
از سایر فیماها فاجعه آفرین بوده است. کودکان
وجوانان با مشاهده اولین فیلم کاراته بصورتی
وحشیانه در کوچه و خیابان و حتی درسالن
سینما بجان یکدیگر افتاده و با ضربات مشت
ولگدمقابل هم پرداخته و عملیات کاراته -
بازان را تقلید کرده اند. نتیجه این عملیات
بجز دست و پا شکستگی و ضرب و جرحهای
مختلف قتل را نیز بدنبال داشته است.

روزنامه اطلاعات می نویسد که دربابک
اردکان دانش آموز شانزده ساله ای همکلاسیش
را با فن کاراته کشت و وحشتزده از محل
حادثه گریخت. (*)

چنین سوردی در قم نیز اتفاق افتاد.
چون دانش آموز چهارده ساله ای بنام علیرضا
اکبری ضربه لگدی که بسیک فیلمهای کاراته ای
بدوست یازده ساله اش بنام ابوالفضل اویسی

بی شاخ و دم بدل شده است . از روزی که او
 بفیلم کاراته‌ای رفته تا حالا درس و مشق را
 کنار گذاشته و شب و روز جلو آئینه سیاستند و
 دستها و پاهايش را با بنظر و آنطرف حواله میدهد
 و نهره‌یی . یکشد که صدای اعتراض همسایه بلند
 میشود . وقتی هم که بطور کاسل در قالب

- «برادر نه ساله‌ام کاراته باز شده . آنهم
 چه کاراته باز وحشی و بی تربیتی که خدا
 نصیب هیچ خانواده‌ای نکند . برادرم محصل
 دبستان است و نمیدانم کدام شیر پاک
 خورده‌ای او را بتماشای فیلم کاراته برد که
 حالا تحت تأثیر آن فیلمها بیک هیولای



مجله کاراته و ورزشات رزمی
 سال پنجم - تابستان

هنر پیشه کاراته باز فیلم فرو رفت با سرعت از جلوی آئینه دور میشود و بطرف مامیبرد . حالا فرقی نمیکند که چه کسی سر راهش قرار بگیرد : پدر ، مادر ، خواهر یا برادر ... هر کسی را که که سر راهش قرار بگیرد زیر مشت ولگد میگیرد و در این حال همان

نمره‌های وحشتناک را سر میدهد . چند روز پیش یک سریال پلیسی جنائی از تلویزیون پخش میشد . وسط فیلم ناگهان برادرم ازجا بلند شد و ضمن کشیدن همان نمره‌های کذائی ژستی کاراته بازانه گرفت ، دستهایش را از هم باز کرد ، بهوا پرید و بعد با دو پا بسوی تلویزیون پرید و تلویزیون با صدای مهیبی شکست . حالا تلویزیون ماشکسته است و برادر خرد سالم با دو پائی که از چند جا بریده شده در بیمارستان بسر میبرد .

همین روزنامه واقعه ناگواری را که در اثر کاراته بازی بچه‌ها در مشهد اتفاق میافتد خیر میدهد ، زیر عنوان «پس از دیدن یک فیلم کاراته پسر ده ساله همبازی هشت ساله‌اش را کشت» مینویسد : (*)

«پسر بچه دهساله‌ای پس از دیدن یک فیلم کاراته‌ای دوست هشت ساله‌اش را با ضربه لگد کشت . پسرک حسن فعال نام دارد و وقتی از تماشای فیلم ژاپنی «ازدهای سیاه» بازگشت درحالی که سخت مجذوب حرکات هنرپیشگان فیلم بود «اسمعیل محمدی» دوستش را دعوت بازی کرد و بتقلید آنچه دیده بود بزدن مشت ولگد پرداخت . درحین بازی بهوا پرید ولگد بقسمت پائین شکسم اسمعیل زد . با این ضربه اسمعیل بر زمین افتاد و لحظه‌ای بعد درگذشت وحسن از ترس بمنزل فرار کرد و در داخل صندوق پنهان شد .»

تقلید از اعمال و رفتار کاراته بازان نه تنها اثرات بسیار شومی در روی کودکان دارد و آنان را برمز بزهکاری میکشاند ، بلکه در بزرگسالان هم نفوذ میکند و از آنان نیز انسانهایی وحشی میآفریند .
کیهان مینویسد : (*)

- سه کارگر یک کوره آجرپزی در دوسته آباد اصفهان پس از مشاهده صحنه‌های کاراته یک فیلم ژاپنی بتقلید از صحنه‌های فیلم سی‌پدازند و یکی از آنان بنام نصرت‌اله عطاوردی بیست و شش ساله از ناحیه شکم دچار ضربه دیدگی میشود که پس از انتقال به کلینیک جراحی بعلت پارگی روده درمی‌گذرد . قدرت‌اله میرزائی و سلمان ابراهیمی دو کارگر دیگر دستگیر میشوند .

روزنامه اطلاعات زیر عنوان «حبس ابد با اعمال شاقه برای سردی که تحت تأثیر فیلم کاراته‌ای دوستش را کشت» مینویسد :
«جوانی که تحت تأثیر یک فیلم کاراته‌ای دوستش را با ضربه چاقو کشته بود در دادگاه جنائی خوزستان بحبس ابد بااعمال شاقه محکوم شد . (۳)

حادثه در اردیبهشت ماه در اهواز روی داد . عبدالحمید رحیمی بیست ساله و دوست بیست و پنج ساله‌اش علیجان پس از دیدن یک فیلم کاراته‌ای هنگام خروج از

(*) - اطلاعات - سه‌شنبه ۲۴ دیماه ۱۳۵۳

صفحه ۱۳ - شماره ۱۴۶۰۹

(*) - کیهان - دوشنبه ۲ مهر ماه ۱۳۱۲

صفحه ۲۲ - شماره ۹۰۶۴

(*) - کیهان - یکشنبه ۲۷ اسفند ماه ۱۳۵۱

صفحه ۲۶ - شماره ۸۹۰۶

سینما برسر موضوعی بینشان اختلاف افتاد و جلوی دروردی سینما با هم بنزاع پرداختند. در حین نزاع عبدالمجید که هنوز تحت تأثیر فیلم بود با چاقویی که همراه داشت بطرف علیجان حمله برد و با چند ضربه او را از پای درآورد و سپس گریخت ولی باسوران آگاهی چندی بعد او را دستگیر کردند.

فن کاراته بازی و تقلید از عملیات قهرمانان حتی بزنان نیز سرایت کرده است زیرا در اصفهان زنی بنام عصمت مزدبیران در نزاع با همسایه خود بنام فاطمه رنجبر با استفاده از فن کاراته لگدی بشکم او میزند و او را بقتل میرساند. (*)

گاهی مشاهده فیلم سینمایی کودکان و حتی بزرگسالان را بطرف خود کشی می‌راند و راه و طریقه خود کشی را نیز می‌آموزد. کیهان مینویسد که دو دانش آموز خرد سال بعد از اینکه از پدر خود کتک خوردند به تقلید از یک فیلم سینمایی سم خوردند تا خود را بکشند. اما پزشکان بیمارستان مسمومین تهران آنها را از سرگنجات دادند. (*)

همین روزنامه بمورد خود کشی مرد ۳۸ ساله‌ای که کارگر نجاری در اصفهان بود اشاره می‌کند و مینویسد که این کارگر پس از مشاهده یک فیلم فارسی تصمیم می‌گیرد تا خود کشی کند. بدین منظور مقداری قرص را در ظرف آب حل می‌کند و سر می‌کشد. دخترش متوجه جریان می‌شود و او را به بیمارستان تریا منتقل می‌کند و از چنگال مرگ رهایی می‌دهد. (*)

این مرد که نیاز علی نام دارد علت خود کشی را اینطور بیان می‌کند :
«چند هفته قبل همسر بدنبال یکسک

مشاجره لفظی بخانه پدرش رفت و مرا با دخترم تنها گذاشت. دیشب با دخترم بسینما رفتم. داستان فیلم آنچنان شباهتی با وضع موجود من داشت که بکلی از مشاهده صحنه‌های آن منقلب شدم و پس از اتمام فیلم تصمیم بخود کشی گرفتم.»

گاهی همانندی و تقلید داستانهای خنده آوری را بوجود می‌آورد. مثلاً روزنامه اطلاعات زیر عنوان «موضوع غیر واقعی یک فیلم باعث مسمومیت جوانی شد» مینویسد که جوان ۲۳ ساله‌ای غذای خود را با لیوانی شراب سی‌آیزد و آن را می‌خورد. بالنتیجه شدیداً بدل درد و تهوع دچار می‌شود و بالاخره به بیمارستان می‌رود و بستری می‌گردد.

جوان حکایت می‌کرد که در فیلمی مشاهده کرده بود که قهرمان لیوان شرابی را با غذایش مخلوط نمود و آن را با لذت هرچه تماسر خورد. بهمین جهت او هم تصمیم گرفت که از عمل قهرمان فیلم تقلید نماید و غذای خود را با شراب مخلوط کند و بخورد. (*)

بی‌مناسبت نیست که بداستان خنده دارتر دیگری که پایانی ناگوار داشت نیز اشاره شود.

دختر جوانی در ناحیه‌ای از خراسان پس از مشاهده فیلم گاو بازی مایل می‌شود که

(*) - اطلاعات - پنجشنبه ۷ آذر ماه ۱۳۵۲

صفحه ۲۶ - شماره ۱۴۵۷۱

۱ - اطلاعات - یکشنبه ۲۸ بهرمه ۱۳۵۲ -

صفحه ۱۷ - شماره ۱۴۵۳۷

۲ - کیهان - شنبه ۲ بهمن ماه ۱۳۵۲ صفحه

۱۴ - شماره ۹۱۷۹

۳ - کیهان - سه‌شنبه ۱۹ تیر ماه ۱۳۵۲ -

صفحه ۱۸ - شماره ۹۰۰۰

عمل گاو باز را مورد تقلید قرار دهد. بهمین جهت با بدست گرفتن پارچه قرمز رنگی بتحریک گاوای که در مزرعه بود میپردازد و نتیجه این بازی آن میشود که گاو خشمناک بدختر جوان حمله میکند و شاخهای خود را در شکمش فرو می نماید.

مثال خنده دار دیگری که قابل ذکر است مربوط به فرو شدن زنی در قالب یک شیخ برای ترساندن شوهر است. داستان بدین قرار است که زن ۲۴ ساله ای درعیاب شوهر از سرتاپا خود را در ساحفه ای می پیچد و عماسه ای بزرگ از ملحفه درست میکند و بسر میگذارد تا بصورت یک شیخ ترسناک درآید. سپس خود را در زیر تختخواب مخفی میسازد و در انتظار شوهر میماند.

قریب ساعت ۱۰ شب شوهر بیخیال و آسوده از هرگونه دغدغه خاطر و ناآگاه از آنچه که انتظارش را میکشد سوت زنان بمنزل برسیگردد ولی با کمال تعجب زنش را نمیابد و خانه را خالی میبیند. هر قدر زنش را صدا میزند بجوابی نایل نمیشود. بهمین جهت به تصور آنکه ممکن است زنش بیخانه پدر و مادر رفته باشد شروع بتلفن میکند. در همین هنگام که سرد سخت سرگرم صحبت است زنش در حالیکه صداهای وحشتناکی از خود در میآورد از زیر تختخواب خارج میشود و با وحمله میکند. سرد که بوسیله سروصدای ناگهانی و هیولای بد شکل سخت غافلگیر میشود فریادی از وحشت و ترس میکشد و گوشی تلفن را بزمین میاندازد و پا بفرار مینهد. در پله ها بعلت عجله و لرزش ناشی از ترس بسیار نمیتواند خود را کنترل کند و در نتیجه بزمین میخورد و معلق زنان به پائین پله ها پرتاب میشود و شدیداً مجروح میگردد. برادرش که از پشت تلفن صدای نعره او



را شنیده بود سرعت خود را بمنزل میرساند و او را به بیمارستان میبرد و بستری میکند. (*) در همین مورد گرچه مثالهای بسیاری وجود دارد ولی ذکر اتفاق ذیل نیز بی مناسبت نمیباشد.

روزنامه اطلاعات زیر عنوان «دراکولای اصفهانی مادر خود را بیهوش کرد» مینویسد:

یک پسر خردسال اصفهانی هنگام بازی با برادر خود با کشیدن یک لنگه جوراب زنانه بصورت خویش و گذاشتن ماسک دراکولا موجب شد که مادر حامله از وحشت غش کند.

جمشید ۹ ساله با برادر خویش جهانگیر ۱۱ ساله دیروز سرگرم قایم سوشک بازی بود و برای اینکه برادر خود را بترساند یک لنگه جوراب مادرش را بسر کشید و ماسکی را که شبیه دراکولا ساخته شده بود بصورت گذاشت و در آستانه پستوی یکی از اتاقها بانتظار برادر و همبازی خویش ایستاد. مادر این دو برادر صدای فریاد جهانگیر که ترسیده بود از خواب پرید و در اولین لحظه بیداری با صورت وحشتناک پسر خردسال خودش رویرو شد و در نتیجه فریادی از وحشت کشید و غش کرد.

مادر این دو پسر بچه که شهلا قبادی نام دارد، وسیله کسانتش بدرمانگاه انتقال یافت و بستری شد و پزشکان اظهار نظر کردند که بی بر اثر شوک وارده در معرض خطر سقط جنین قرار دارد. (*)

گاهی تقلیدهای خنده آور نه تنها بعارض جسمانی و روانی منجر میگردد بلکه بقیمت جان افراد نیز تمام میشود. روزنامه کیهان زیر عنوان «تقلید از فیلم وسترن بقیمت جان

دانش آموز تمام شد» مینویسد:

- تقلید از فیلمهای وسترن نوجوانی را بکشتن داد. جوانی که قربانی تقلید شد صفر- اکیریا نام داشت و دانش آموز سال اول راهنمایی وساکن روستای «سورکوه» رودسر بود. صفر یکسر طنابی را بگردن اسب و سر دیگر آن را بکمر خود بست و با شلاق اسب را بحرکت در آورد تا خود را بر روی زمین کشیده و هنرنمایی کند. اسب با خوردن شلاق رسید و بحرکت درآمد و کنترل از دست دانش آموز گرفت. اهالی هنگامی توانستند اسب را آرام کنند که امیدی بنجات دانش-آموز نبود. صفر را به بیمارستان شیروخورشید رودسر منتقل کردند ولی بارسیدن به بیمارستان مجروح جان سپرد. (*)

ج: همانندی و تقلید و اختلالات خانوادگی

یکی دیگر از اثرات منحوس همانندی و تقلید، اختلافات و نابهنجاریهایی است که بین اعضاء خانواده بوجود میآورد و نزاع و مشاجره و در نتیجه اختلال واز هم پاشیدگی است که شکل میگیرد و اساس همبستگی و همگامی را دچار تزلزل و نابودی میسازد.

این دو پدیده بخوبی قادرند که عواطف و مهر و محبت خانوادگی را از بین ببرند و با شکل دادن اختلاف نظرها و سلیقهها و افکار، دامنه آنها راحتی تا مرحله فرار، خود کشی،

۱ - روزنامه اطلاعات روزانه یکشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۶ - صفحه ۱۴

۲ - اطلاعات روزانه - ص ۱۸ شماره ۱۳۴۶-۱۳۴۰۳

(*) - اطلاعات - سهشنبه - اول اردیبهشت

۱۳۴۹ - شماره ۱۳۱۷۱ - صفحه ۱۴

بیماری روانی نیز توسعه دهند و حوادث ناگواری را پدید آورند .

اسئله ذیل بخوبی بیان کننده این واقعیت است که این دو پدیده تا چه حد میتوانند باعث از هم پاشیدگی خانوادگی و پریشانی و نابسامانی اعضاء آن بشوند .

زن بیست و دو ساله‌ای که در چند فیلم فارسی در نقش «سپاهی لشکر» ظاهر شده بود، بعلت مخالفت شوهرش با ادامه بازی او در سینما ، با مقداری سم خودکشی کرد . (*)
دختر هفده ساله‌ای که پدر و مادرش با هنرپیشه شدن او مخالف بودند ، بقصد خودکشی خود را از طبقه دوم ساختمان منزلشان بیابین پرتاب کرد و بسختی مجروح شد . (*)

دختر شانزده ساله‌ای که مادرش با فعالیت‌های او در سینما مخالف بود ، خود را مسموم کرد . این دختر در بیمارستان گفت :
- تاکنون در چند فیلم فارسی شرکت کرده‌ام . اما مادرم راضی نیست که در فیلم بازی کنم . ولی من علاقه زیادی به این هنر دارم و نمیتوانم آن را ترك کنم . دیروز کمی دیر بخانه آمدم . مادرم باز ساله فیلم و هنر را پیش کشید و بمن ناسزا گفت . منم که از پرخاش او ناراحت شده بودم ، در غیابش مقداری قرص سمی خوردم و خود را مسموم کردم .

دختر هفده ساله‌ای که قصد هنرپیشگی داشت ولی با مخالفت پدرش روبرو شد ، خود را از بام منزلشان واقع در خیابان دامپزشکی تهران ، به حیاط پرتاب کرد . (*)

دختر هفده ساله‌ای که به شوق هنر-پیشگی از قم فرار کرده بود با مزاحمت‌های جوانان تهرانی روبرو شد . مأموران او را به کلانتری بردند و تحویل خانواده‌اش

دادند (*) و دختر بیست ساله دیگری که به شوق دیدن هنرپیشه مورد علاقه‌اش به تهران فرار کرده بود ، توسط پلیس دستگیر و نزد اقوامش فرستاده شد . (*)

گاهی همسایه‌ها و اطرافیان ، بعلت وجود سنتها و اختلاف نظرها ، با هنرپیشه شدن افراد به مخالفت می‌ورزند که در نتیجه به مشاجرات و ناراحتی‌های بسیار منجر می‌گردد . از جمله دختری که بهنرپیشگی و ظاهر شدن در جلوی دوربینهای فیلمبرداری شدیداً علاقه داشت ، دست به خودکشی زد زیرا همسایه‌ها مخالف هنرپیشگی او بودند و متوالیاً او را مورد سرزنش قرار میدادند و اعمالش را که تقلید ستارگان سینما بود نکوهش می‌کردند و از او میخواستند که دست از رفتارهای خود بردارد . درحالی که دختر دیوانه وار بهنرپیشه‌ها علاقه‌مند بود و آنچه را که از آنان مشاهده میکرد ، مورد تقدیر و تحسین قرار میداد و تمایل داشت که خود نیز روزی درچنان قالبی درآید . بطوریکه دختر اظهار میداشت این علاقه و تحسین هنرپیشه‌ها از هنگامی شروع شد که در خردسالی اولین فیلم را مشاهده

(*) - کیهان - شنبه چهارم بهمن ماه ۱۳۵۴ شماره ۹۷۷۰ - صفحه ۲۶

(*) - روزنامه کیهان - شماره ۸۲۵۷ - ۴ بهمن ماه ۱۳۴۹ - صفحه ۱۸

(*) - روزنامه کیهان - شماره ۸۴۱۰ - ۷ مرداد ماه ۱۳۵۰ - صفحه ۲۶

(*) - روزنامه کیهان - دوشنبه ۲ شهریور ماه ۱۳۴۶ - شماره ۷۲۳۳ - صفحه ۱۰

(*) - روزنامه کیهان - سه شنبه ۱۱ مرداد ماه ۱۳۴۶ - شماره ۷۱۹۸ - صفحه ۱۴

- (*) روزنامه کیهان - دوازدهم سردادماه
۱۳۵۱
(*) روزنامه کیهان - شماره ۸۷۸۹ - صفحه
۱۸ - چهارم آبانماه ۱۳۵۱
(*) روزنامه کیهان - شماره ۸۵۷۷ - صفحه
۲۶-۲۵ بهمن ماه ۱۳۵۰
(*) - روزنامه اطلاعات شماره ۱۲۳۸۰ -
سال ۱۳۶۶، صفحه ۱۵

کرد او در همان لحظات اول چنان زیر تأثیر
بازی و هنرنمایی و اعمال شگفت آور هنرپیشه‌ها
قرار گرفت و شیفته آنان شد که تصمیم گرفت
در جرگه هنرپیشه‌ها وارد شود. این تصمیم
که در دوران خردسالی گرفته شد، کم‌کم
رشد کرد و بالاخره بعدی گسترش یافت که
او را واداشت تا دست به هنرپیشگی بزند (*).

- 1 - Stanciu et Laignel-Lavastine 2 - "Précis de criminologie". P.238
3 - Paul Wets 4 - Ibid.P.238
5 - Chazal, "Le cinéma et la délinquance juvénile". P.222
6 - Frédéric Wertha
7 - Glucksmann (A), "Rapport sur les recherches concernant les effets sur la
jeunesse des scènes de violence au cinéma et à la télé-
vision". P.79
Communications. No 7. 1966. Paris.
9 - Maccoby
10- Ibid.P.95
11- Lebovici
12- Id, "Cinéma et criminalité". P.209
13- Ibid. PP. 209-210
14- Revue internationale de filmologie, "Le cinéma pour les enfants" P.67
No 32-33. Tome X. 1960
15- Blumer
16- Société des Nations, "Le cinéma récréatif et la jeunesse". P. 12 Com missioner
consultative des questions sociales.
NoC 256. M 152. Genève 1938.
17- Dr Van Stavern
18- Ibid. P. 12
19- Perez
20- Lombroso, "L'homme criminel". P. 105. T 1
21- Marquiset, "Le crime". P 35
23- Chazal, Ouv. Cit. P. 221
24- Ibid. P. 88
25- Mme Philippon (O), "La jeunesse coupable vous accuse". P. 277
27- Roger, "Le cinéma et l'enfant". P.43
28- Chazal, Ouv. Cit. P.88